

بیکران

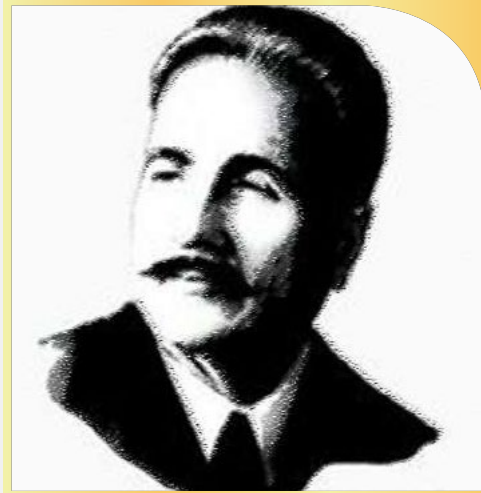
نشریه علمی - دانشجویی بیکران /
شماره ۲۲ / بهار و تابستان ۱۴۰۰



بانو مجتهدہ امین



مصاحبه با دکتر سمیه خادمی



اقبال لاهوری، سنٹ گرا یا مدر نیست



نیایشگاه باستانی اسپہی مڑگٹ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب:

۲ سرمقاله
۳ آراء و نظریات ویلیام جیمز
۷ تفسیر دعای ربانی
۱۲ لوتر راهب آرمانگرای آلمانی
۱۳ مقاله اقبال لاهوری، سنت گرا یا مدرنیست
۱۶ بانو امین ایرانی
۱۸ شرح غزل حافظ

شناسنامه:

صاحب امتیاز: انجمن علمی ادیان و عرفان
مدیر مسئول: فیروزه عاقبتی
سردبیر: فیروزه عاقبتی
هیئت تحریریه: فیروزه عاقبتی، حدیث عیدانی، صنم مروتی،
مهسا امیدوار، زهرا عباسیان
مشاور فرهنگی: خانم دکتر لیلا هوشنگی
طراح و صفحه آرا: مرضیه انبری

با تشکر فراوان از همکاری خانم دکتر نوری سادات شاهنگیان در تهیه
گزارش روش تحقیق

☎ شماره تماس مدیرمسئول: ۰۹۳۵۲۶۹۲۲۸۰
✉ ایمیل مجله: bkaranmagazine@gmail.com
✉ ایمیل مدیر مسئول: f.aghebaty74@gmail.com

میانی
نشریه علمی - دانشجویی بکران /
شماره ۲۲ / بهار و تابستان ۱۴۰۰

ایشان لاجوردی دکتر بکران / مدیرمسئول

پانزدهمین جشنواره

پناهگاه روستایی ایستگاه بکران

مصاحبه با دکتر سیمین شاکری



سخن سردبیر:

به نام خداوند لوح و قلم
حقیقت نگار وجود و عدم

از آنجایی که مدتی در چاپ مجله بی‌کران وقفه ایجاد شد، تلاشی هر چند کم و ناچیز توسط گروه پرتلاش هیئت تحریریه بیکران صورت گرفته است تا بیکرانی شایسته شما خوانندگان گرامی ارائه گردد و امید داریم که مقبول نظر دوستان و خوانندگان ارجمند قرار گیرد، به همین دلیل تلاش خود را مضاعف کردیم تا دو شماره بی‌کران را هم‌زمان در این چاپ در اختیار شما قرار دهیم.

در این دو شماره علاوه بر اینکه به ارائه مقالات و گزارشاتی در حوزه ادیان و عرفان پرداخته‌ایم، معرفی اماکن، فیلم و اشخاص نیز مورد توجه و محور کار ما قرار گرفت.

همچنین در این شماره گزارشی ویژه با عنوان «روش تحقیق» برای دانشجویان عزیزی که کوشا در نوشتن هستند بخصوص دانشجویان مقطع ارشد که دغدغه نگارش پایان‌نامه دارند را قرار داده‌ایم.

به دلیل شرایط کرونایی و عدم حضور فیزیکی در دانشگاه فایل الکترونیکی نشریه جهت سهولت شما دانشجویان ارجمند در کانال انجمن علمی دانشجویی ادیان و عرفان به آیدی @adyan_erfan_alzahra قرار خواهد گرفت.

آراء و نظریات

ویلیام جیمز

بهاره برغانی

WILLIAM JAMES

چکیده

روانشناسی مبحثی میان‌رشته‌ای است که در آن از دیدگاه روان‌شناختی پدیده‌ی دین را بررسی می‌کنند؛ یعنی زمینه‌ها و عوامل دین‌داری، تجزیه و تحلیل دین‌داری، سنجش دین‌داری و بیان آثار و پیامدهای دین‌داری را در حیات فردی و اجتماعی توصیف و تبیین می‌کنند. ویلیام جیمز که خود از سنت آمریکایی-انگلیسی بود و دیدگاه همدلانه با دین داشت، با رویکرد تجربی و آزمایشگاهی به دین و تأکید بر تجارب فردی و با توجه به فلسفه‌ی پراگماتیسمی‌اش، توجه خود را به آثار و پیامدهای دین‌داری مبدول ساخت و کتاب تنوع تجربه دینی او که اثری کلاسیک در زمره روانشناسی دین محسوب می‌شود، بر متفکران پس از خودش تأثیر زیادی گذاشت. در این جستار سعی بر این بوده که مهم‌ترین دیدگاه‌های وی را شرح داده و آشنایی کلی با اندیشه‌های وی را ممکن سازد.

کلیدواژه‌ها

روانشناسی دین، ویلیام جیمز، تجربه‌ی دینی، آثار دین‌داری، ایمان، اراده معطوف به باور

مقدمه

در روزگار ما یعنی در فضای ایران معاصر دهه، ۹۰ که دیدگاه‌ها نسبت به دین منفی و یا در بهترین حالت بی‌تفاوت شده است؛ و علت عمده‌ی آن در درجه اول درهم‌پیچیدگی دین با مبانی فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و زندگی روزمره افراد، استفاده ابزاری از دین و ترویج خرافات و ظاهرگرایی به جای پرداختن به گوهر و اصل دین و در درجه دوم جهانی‌شدن و گسترش ارتباطات و تأثیر سبک‌های زندگی وارداتی و تفکرات کشورهای توسعه‌یافته‌ی غربی بدون در نظر گرفتن شرایط اجتماعی و بسترهای متفاوت تاریخی و فرهنگی است. بررسی تفکرات کسانی همچون ویلیام جیمز برای جامعه ما و حتی جامعه سکولار غرب حائز اهمیت است. به نظر خود ویلیام جیمز دین نهادینه که به تعصب و سیطره‌ی گروهی و به اعمال ظاهری تقلیل یافته و آلوده گشته و به‌منظور تشفی خاطر خدایی کودکانه صورت می‌گیرد، نظامی از آموزه‌های ثانوی است که از طریق تقلید و عادت ملال‌آور منتقل و حفظ می‌شود. (وولف، ۱۳۸۶ ص ۶۵۹)

اما روانشناسان تجربی به‌جای تفسیر مجدد دین به دنبال اثبات علمی تأثیر ارزش‌های مثبت دین در کنشوری انسان هستند (ولف، ۲۰۰۱ ص ۲۵ و ۲۶) ویلیام جیمز که خود یک روانشناس و فیلسوف پراگماتیست است عقیده دارد که تا زمانی که دین برای انسان کارکردهای قابل‌توجه دارد، می‌توان آن را به‌عنوان حقیقت و امری سودمند پذیرفت. البته دل‌بستگی او به خود دین امری شخصی و ریشه در محیطی دارد که در آن رشد کرده دارد؛ اما رویکرد او پدیدارشناسی و عمل‌گرایانه و مبتنی بر تجارب فردی انسان‌هاست. روانشناسی دین در اواخر قرن نوزدهم در فضای سکولار و به سبب کاهش اهمیت دین سنتی جهت قدرت اجتماعی، هم از جهت منبع بودن برای تبیین‌های رضایت‌بخش عقلانی از ماهیت انسان و جهان انجامید. (ای

سگال، ۱۳۹۱ ص ۱۴۳) و به کوشش کسانی چون استنلی هال، ویلیام جیمز و زیگموند فروید آغاز شد. در کتاب ولف آمده است که در روانشناسی سه رویکرد وجود دارد: رویکرد عینی، رویکرد ژرف-روانشناختی که عمدتاً ذهنی و تفسیری است و رویکرد انسان‌گرایی. به فراخور تنوع دیدگاه‌ها، روانشناسان از دو روش کیفی و کمی در پژوهش‌های خود استفاده می‌کنند.

سه سنت اصلی آلمانی‌زبان (فروید و یونگ) فرانسوی‌زبان (ژان پیاژه و تئودور فلورنوتا) و همچنین سنت تأثیرگذار انگلیسی-آمریکایی با بزرگانی همچون جی.استیلی هال، جیمز لوبا و ویلیام جیمز به وجود آمدند. در این سنت بیشتر بر فرد و تأثیر دین بر روان او تأکید می‌شد. همچنین یکی از اهداف این سنت را می‌توان هماهنگ ساختن دین با برداشت‌های قرن بیستمی و کمک به جامعه‌ای بدانیم که عمیقاً از تغییرات

سرنوشت‌ساز و خردکننده ناشی از صنعتی شدن برآشفته بود (آذربایجانی، ۷-۶-۱۳۹۰، ۵).

زندگی ویلیام جیمز

ویلیام جیمز در سال ۱۸۴۲ در نیویورک آمریکا، در محیطی پروتستان و در خانواده‌ای مرفه و بافرهنگ متولد شد. پدرش هنری جیمز که نویسنده‌ای فرهیخته و ادیب بود، بر اثر آشنایی

با عارف سوئدی (سوئدنبِrg) خود را وقف ترویج افکارش کرده بود. خودش می‌گوید که خمیره‌ی ذاتی من به‌طور کامل به دین و لذت‌های دینی وابسته است. جیمز در ابتدا می‌خواست نقاش بشود اما در سال ۱۸۶۱ به دانشکده‌ی

علوم لاورنس راه یافت. ابتدا به شیمی و سپس به زیست‌شناسی متمایل شد و بالاخره در سال ۱۸۶۹ مدرک پزشکی خود را از دانشگاه هاروارد اخذ کرد. سپس به روانشناسی علاقه‌مند شد و در سال ۱۸۷۶ نخستین آزمایشگاه روانشناسی را در ایالات‌متحده آمریکا تأسیس کرد؛ اما سرانجام ویژگی‌های شخصی‌اش او را به سمت فلسفه کشاند و در سال ۱۸۸۱ استاد فلسفه در دانشگاه هاروارد شد. (آذربایجانی، ۱۳۹۰ ص ۱۵)

روش‌شناسی

او یکی از بنیان‌گذاران مکتب پراگماتیسم یا اصالت عمل (عمل‌گرایی) است. بر مبنای پراگماتیسم یک باور تنها در صورتی حقیقی است که عمل مطابق آن به‌طور تجربی نتایج رضایت‌بخش و محسوس به بار آورد؛ یعنی نتایج شش با مجموعه علاقه‌ها و دل‌بستگی‌های وجودی شخص عامل سازگار باشد. (آذربایجانی، ۱۳۸۷ ص ۷) آزمون هر عقیده‌ای این است که آن عقیده چه تغییری در زندگی فرد به وجود می‌آورد. از این رو دین و آثار دین‌داری نیز به همین تجربی باید برای ما آشکار شوند؛ بنابراین روش‌شناسی جیمز تجربی، پراگماتیستی، کیفی است و تأکید بر تجربه‌های فردی دارد. جیمز که به پدیدارهای دینی توجه کرده و از موضع روان‌شناختی آن‌ها را تجزیه‌وتحلیل می‌کند؛ در پراگماتیسم راهی برای وحدت بخشیدن به علم و مذهب پیدا کرد. (آذربایجانی، ۱۳۸۳ ص ۷)

آثار

او در اثر مهم و تأثیرگذارش تنوع تجربه‌ی دینی (۱۹۰۲) به یکی از دغدغه‌های اصلی‌اش یعنی تبیین‌گونگونی فهم انسان‌ها می‌پردازد. اینکه پیروان هر دین به دلیل ساختار و محیط پیدایش آن دین فهم خاصی از حقیقت دارند؛ از این رو او به تکثرگرایی دینی اعتقاد دارد و اساساً بر این باور است که یک دین واحد نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای همه‌ی انسان‌ها باشد و این تنوع ادیان را متطابقاً لازم و ضروری می‌داند. وی همچنین در اثر دیگرش اصول روانشناسی که میان روانشناسی فلسفی قرن نوزدهم و روانشناسی علمی قرن بیستم نوعی ارتباط برقرار می‌کند بر جنبه‌های غیرعقلانی انسان تکیه می‌کند و انسان را به‌هیچ‌وجه موجودی صرفاً عقلانی به‌حساب نمی‌آورد. جیمز کتاب اراده‌ی معطوف به باور و جستارهای دیگر در فلسفه‌ی عامه‌پسند را در سال ۱۹۸۷ منتشر کرد، این کتاب اولین گزارش پخته‌ی وی درباره‌ی ماهیت ایمان بود. کتاب بعدی‌اش جاودانگی انسان: دو اعتراض فرضی به مکتب (۱۹۸۸) پراگماتیسم: نامی نوین برای برخی شیوه‌های کهن اندیشه، (۱۹۰۷) معنای حقیقت: تکلم‌های بر پراگماتیسم (۱۹۰۹) و جهان کثرت‌انگاران (۱۹۰۹) در زمان حیات وی منتشر شدند. (آذربایجانی، ۱۳۹۰، ۱۷) مجموعه آثار وی در ۱۷ جلد در مهر و موم‌های ۱۹۷۵-۱۹۸۸ در دانشگاه هاروارد منتشر شد.

خدا

خدا از دیدگاه جیمز موجودی فناپذیر، قدرتی آرمانی است که با او در ارتباطیم. یکتا، یگانه و بیکران است. خدا را نباید موجودی ترسناک و خودکامه معرفی کرد. خدا را می‌توان احساس کرد و تجارب دینی و عرفانی راه پی بردن به اوست. (آذربایجانی، ۱۳۹۰، ۷۳)

دین

اساساً مقدمه‌ای که فلسفه‌ی دین جیمز بر آن استوار است این است که طبیعت، احساسات و عواطف و گرایش‌های درونی ما به این جهت وجود دارند که چیزی در عالم واقع هست که با آن‌ها هماهنگی دارد. همچنین چیزی در تجارب و احساسات ما هست که حاکی از این است که یک واقعیت عینی ژرف‌ترین آرزوهای ما را برآورده می‌سازد. (شهاب، ۱۳۸۷ ص ۵۵) جیمز از ابتدا تصریح می‌کند که ما نمی‌توانیم حقیقت و گوهر دین را دریابیم و به دلیل گستره‌ی وسیع دین نمی‌توان همه‌ی ابعاد آن را بررسی کرد؛ بنابراین ناچاریم که قسمت موردعلاقه‌ی خود را گزینش کنیم. از نظر جیمز دین عبارت است از مجموعه‌ای از احساسات و اعمال و تجارب شخصی انسان‌ها که در عالم تنهایی‌شان اتفاق می‌افتد به‌گونه‌ای که خودشان را در ارتباط با آنچه امر الهی تلقی می‌شود، می‌یابند. (صالحی نجف-آبادی، ۱۳۸۹ ص ۸۷) در اینجا دو واژه‌ی تجارب شخصی و احساسات و اعمال کلیدواژه هستند؛ چراکه جیمز منشأ دین‌داری را در ساحت عواطف انسانی و بعد روان‌شناختی می‌داند و مخالف تبیین مادی‌گرایی و منشأ جسمانی از دین است. دین را به دوشاخه‌ی دین نهادی و دین شخصی تقسیم می‌کند و خود به بعد شخصی دین می‌پردازد. همچنین داوری معنوی را مفیدتر از داوری وجودی می‌انگارد؛ یعنی به‌جای پرداختن و ماهیت دین به آثار آن توجه دارد.

جیمز دین‌داری و حیات دینی را نوعی واکنش کامل به زندگی می‌داند. منظور وی واکنشی است که از فطرت ما برمی‌خیزد و در برابر واکنش‌های سطحی به زندگی قرار می‌گیرد، ناظر به جنبه‌های احساس و عاطفی دینی می‌داند. وی همچنین اذعان می‌کند باوجود تفاوت عقاید و افکار، گوهر دین یکی است و به‌صراحت آن را احساسات و سلوک عملی می‌انگارد و گوهری‌ترین بعد دین را نماز و نیایش به معنای هرگونه ارتباط و مکالمه با خداوند برمی‌شمرد. از نظر او حیات دینی بازندگی اخلاقی متفاوت و از لحاظ احساس خوشبختی پربرتر است. نوعی تسلیم و نیازمند کوشش و مجاهدت است که به‌تدریج پیشرفت می‌کند و با بخش ناهشیار ما در ارتباط است. به گفته‌ی جیمز، ضمیر نیمه هشیار نه‌تنها منشأ دین‌داری است؛ بلکه منشأ تفاوت افراد در دین‌داری نیز می‌باشد. همچنین به عقیده‌ی او، باور به عالم غیب و معنا بخشی آن از مؤلفه‌های حیات دینی است که باعث امنیت خاطر و آرامش روان می‌شود.

دین سالم اندیش روح بیمار

ویلیام جیمز در کتاب تنوع تجربه‌ی دینی اشاره به دسته‌ای از انسان‌ها می‌کند که به همه‌چیز نیک می‌نگرند و به آن دین سالم اندیش می‌گوید. سالم‌اندیشی نظام‌مند، خیر را جنبه‌ی اصلی و کلی هستی تصور می‌کند و عمده شر را از میدان دید خود

بیرون میراند. چنین طبعی دارای ناتوانی بنیادی برای تحمل رنجهای طولانی است. این خلق‌و‌خو پایه و اساس نوع خاصی از مذهب است و آدمی را به سمتی سوق می‌دهد تا جنبه‌های پربلا و مصیبت را به‌تدریج رانده و محو نماید. از سوی دیگر دسته‌ای هستند که معتقدند شر صرفاً از رابطه‌ی آن‌ها با امور خاص خارجی ناشی نمی‌گردد، بلکه امری اساسی‌تر و کلی‌تر یا به‌عبارت‌دیگر نوعی بدی و شرارت در ذات انسان هست که تغییر در محیط‌زیست یا اصلاح سطحی درون فرد نمی‌تواند آن‌ها را معالجه کند و از این رو به یک درمان فوق طبیعی احتیاج دارد. دین دسته‌ای اول را دین یکبارزادگان و دین گروه دوم را دین دوبارزادگان می‌نامد.

اراده‌ی معطوف به باور

این دیدگاه را با این مقدمه آغاز می‌کند که زمانی تصمیم‌گیری و گزینش زنده، اضطراری و فوری-فوتی باشد، آن را گزینش اصیل می‌نامیم. منظور از زنده‌بودن این است که برای ما معنادار باشد و به ما مربوط باشد. مثلاً به یک مسیحی نمی‌توانیم بگوییم که مسلمان یا صوفی باش؛ می‌توانیم بگوییم مسیحی یا لاادری‌گری باش. ثانیه مسئله‌ی مرگ و حیات باشد؛ یعنی انسان مضطر است که یکی از شقوق را انتخاب کند. ثالثاً امکان بازگشت وجود نداشته باشد در ایمان و باورهای دینی این شرایط وجود دارد؛ زیرا هر دو شق آن زنده‌اند. مثل اعتقاد به خدا و عدم اعتقاد به خدا. شاید کسی بگوید که من ندانم‌گرا هستم. از دیدگاه جیمز در این صورت چون بهایی که می‌دهد عمر رفته است، امکان بازگشت وجود ندارد. پس در چنین مواردی تعلیق حکم و توقف امکانپذیر نیست؛ و از آنجایی که انسان به‌هیچ‌وجه موجود صرفاً عقلانی نیست، اراده قوی‌تر از عقل عمل می‌کند؛ بنابراین توجیه ایمان (برای فقدان شواهد) و تفسیر ایمان، اراده معطوف به باور است. (آذربایجانی، ۱۳۸۳ ص ۱۳-۱۰) مقصود جیمز در اینجا این نیست که در همه‌ی مواردی که عقل با نقصان شواهد روبه‌رو می‌شود، اراده آن را جبران می‌کند؛ بلکه اگر عقل با امری روبه‌رو شد که این سه ویژگی را داشته باشد، یعنی زنده، اضطراری و فوری-فوتی باشد، اراده وارد عمل می‌شود. منظور از اراده صرفاً اراده‌های آگاهانه و سنجیده نیست. بلکه مقصود همه‌ی عوامل مؤثر در باور است؛ مانند امید، ترس، تعصب، دل‌بستگی، تقلید، طرفداری کورکورانه، شرایط پیرامونی طبقه‌ی اجتماعی و... که از طریق اراده کردن عمل می‌کنند. در واقع «تکلیف اخلاقی» ای که بر حفظ یکپارچگی وجود خود داریم غالب است بر تکلیف اخلاقی‌ای که بر شکاکیت و تعلیق حکم در فقدان ادله‌ی تأییدکننده داریم. اگر ما حق داشته باشیم که

چنین تصمیم استواری بگیریم و بدهی اخلاقی‌مان به خودمان را سنگین‌تر از تکالیفمان به قبول شکاکیت بدانیم، جان کلام مقاله‌ی اراده‌ی معطوف به باور این است که ما چنین حقی داریم، در آن صورت ایمان آوردن به یک فرضیه‌ی دینی، بدون اینکه بر صحت‌وسقم آن دلیلی داشته باشیم؛ هم مجاز و هم عقلانی است. محروم کردن خود از باور نافع و سودمند صرفاً به دلیل فقدان دلایل خودکاری غیرعقلانی است. (شهاب، ۱۳۸۷ ص ۵۰)

آثار و ثمرات دین‌داری

دیدیم که پراگماتیسم‌ها بیش از هر چیز به آثار و ثمرات یک پدیده توجه می‌کنند. از دیدگاه جیمز دین‌داری هم آثار و ثمراتی دارد که نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت. از جمله:

-آثار معنوی: منظور از آثار معنوی آثاری است که به‌گونه‌ای انسان را از حیات دنیوی جدا می‌سازد و او را به عالم فوق طبیعت فرامی‌خواند؛ مثل نماز و نیایش. جیمز اثرگذاری ارتباط با عالم دیگر بر ما را دلیل وجود آن عالم می‌پندارد.

-لذت‌های معنوی: تأثیرات ناشی از این احوال عمیقاً لذت‌آور است. جذبه و انبساط، احساس ابدیت، سربان سعادت در همه‌ی عالم، یقین به حقیقت و مکاشفه‌ی امور.

-تولد دوباره: در مبحث پدیده‌ی ایمان آوری یا تجربه‌ی احوال دینی خواهیم دید که تغییر حاصل در شخص موجب می‌گردد چهره‌ی طبیعت در مقابل چشمانش تغییر پیدا کند. در انجیل متی آیه‌ی ۳:۱۸ می‌خوانیم: و گفت: آمین به شما می‌گویم تا دگرگون نشوید و همچون کودکان نگردید، هرگز به پادشاهی آسمان راه نخواهید یافت. در آیه‌ی ۲۴ سوره‌ی انفال هم آمده است: «ای اهل ایمان! هنگامی که خدا و پیامبرش شما را به حقایقی که به شما زندگی می‌بخشد دعوت می‌کنند، اجابت کنید؛ و بدانید که خدا میان آدمی و دلش حائل و مانع می‌شود و مسلماً همه‌ی شما به‌سوی او گردآوری خواهید شد.»

-آثار اخلاقی: هیچ دیانتی نمی‌تواند ضد عدالت، آزادگی، یا حقوق اصیل انسانی باشد

-آثار شناختی و معرفتی: علاوه بر دریافت معانی جدید و وحی و الهام، وقتی آرمان‌ها و باورها و شناخت‌های ما با وضعیت عینی محیط در تعارض قرار می‌گیرند؛ دو راه پیش روی ماست: یکی تغییر جهان و دیگری تغییر دیدگاه خودمان. دین از طریق دادن نظام فکری‌ای که فرد همه‌چیز را مشیت الهی می‌بیند و تسلیم می‌شود راه دوم را پیش روی ما می‌گذارد.

-آثار هیجانی و عاطفی: دین از یک‌طرف با تخفیف درد و رنج آدمی در زمینه‌ی محدودیت‌هایش که از متنهای بودن وجودش سرچشمه می‌گیرد و از طرف دیگر ثمره‌ی دین‌داری، تجربه کردن عواطف و احساسات مثبت چون آرامش، امید، عشق، لذت، نشاط و بهجت و تحمل و استقامت است.

-سلامت و بهداشت روانی: به‌طور خلاصه سلامت و بهداشت روانی را این‌طور تعریف می‌کنند: وضعیت مطلوب جسمی، روانی، اجتماعی و مثلاً رابطه‌ی دین‌داری را با قدرت مقابله با سرطان سنجیده‌اند و یا رابطه‌ی منفی افسردگی و اضطراب را میزان عبادت. (آذربایجانی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۸-۱۲) به‌طور کل موضوع ایمانی تأثیرات عدیده‌ای در روش دست‌وپنجه نرم کردن او با رنج دارد و حداقل پادزهری است بر ضد آثار مهلک پوچ‌انگاری. از نظر او خاستگاه ژرف‌تر دین احساسات و ضوابط الهیاتی و فلسفی محصول فرعی دین‌اند. همچنین تجارب دینی عواطف و نگرش‌هایی را در انسان پدید می‌آورد که از سایر تجارب برآمدنی نیستند. آمیزه‌ای از وقار، شادی، بدبینی و خوش‌بینی، آسودگی خاطر و اطمینان، ایمان و قداست و عرفان و تفکر و چون یک

شخصیت آرمانی پدید می‌آورد، بنابراین دفاع از دین یک دفاع عملگرایان است.

اما آثار دین‌داری باید همیشه توسط عقل سلیم مورد قضاوت قرار گیرد؛ چون مردم به خاطر ارزش ثمراتی که ظاهراً خداوند به آن‌ها عطا می‌کند او را می‌پذیرفتند؛ بنابراین به‌محض آنکه آن ثمرات به تدریج بی‌ارزش جلوه کردند و با آرمانه‌ای خاص انسان در تعارض قرار گرفتند، امری کودکانه، تحقیرآمیز یا غیرواقعی به نظرشان آمد. آن الوهیت به تدریج از ارزش و اعتبار افتاد و طولی نکشید که در غفلت و فراموشی فرورفت. مثلاً دست کشیدن از خدایان رومی و یونانی بعد از ظهور مسیحیت، یا مبارزه‌ی پروتستان‌ها علیه عقاید کاتولیک‌ها؛ یا برای همین است که ما امروزه، از مفهوم رنج ابدی بیزاریم یا دیگر ریاضت برایمان قابل‌درک نیست. به گفته‌ی جیمز این نوای تجربه‌ی درونی ماست که در برابر تمام خدایان در طول تاریخ قضاوت می‌کند (تنوع تجربه‌ی دینی)

تجربه عرفانی

ویلیام جیمز تجربه‌ی عرفانی را وسیع‌تر از تجربه‌ی عرفانی می‌داند که رابطه‌ی عموم و خصوص من وجه دارند. تجربه‌های عرفانی می‌توانند از بینش‌های ژرف شاعرانه تا حالت‌های جذبه و خلسه باشد. وی چهار علامت یا نشانه را مؤلفه‌های تجربه‌ی دینی می‌داند. این چهار نشانه عبارت‌اند از: ۱- توصیف‌ناپذیری. ۲- کیفیت معرفتی. ۳- زودگذری. ۴- حالت انفعالی

نتیجه

باوجود اینکه آرا و عقاید ویلیام جیمز در زمینه‌ی روانشناسی دین نقد هم شده، به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنم. مثلاً اینکه تعدادی از منتقدان به این نکته اشاره کرده‌اند که جیمز گستره و اهمیت احساسات بلا واسطه را در حیات دینی بزرگنمایی کرده است و نقش عناصر ارادی و اخلاقی را دست‌کم گرفته است.

(آذربایجانی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۹) یا اینکه در مورد رهبران دینی دچار تناقض شده است. جیمز معتقد است که رهبران دینی اعم از بنیان‌گذاران و رهبران اصلی دارای نوعی افسردگی و بیماری عصبی بوده‌اند؛ در جایی دیگر به قدرت و توان روحی پیامبران در دریافت وحی تأکید دارد. (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۸۹، ص ۷۱) که این با آثار و ثمرات دین‌داری که قبلاً اشاره کرده است به‌گونه‌ای تناقض دارد. جان هیک اشکال اساسی جیمز را گشودن مجال برای اوهام می‌داند. یا نقدهایی بر مؤلفه‌های پراگماتیست‌ها وارد کرده‌اند؛ مثلاً اینکه مبنای پراگماتیسم در تعریف حقیقت (صدق) و یا به‌عنوان ملاک حقیقت قابل‌قبول نیست. یا اینکه جیمز در تعریف دین و آثار دین‌داری خود را محصور بر ثمرات فردی کرده است و از آثار اجتماعی آن غافل مانده است (آذربایجانی، ۱۳۸۶، ۱۴۴، ص ۱۴۴-۱۴۲) جدا از تمام این‌ها همان‌طور که قبلاً اشاره کردیم؛ آثار و آراء او بخصوص در حوزه‌ی ثمرات دین‌داری آن قدر هست که به دین به‌عنوان پدیده‌ای که همچنان در قرن بیست‌ویک می‌تواند قابل توجه و تأثیرگذار باشد نگاه کرد و آن را از آنچه نباید باشد پیراست.

تفسیر دعای ربانی

مهرناز بوستان دوست

دانشجوی کارشناسی‌ارشد دانشگاه الزهرا (س)

عیسی در موضعی دعا می‌کرد، چون فارغ شد یکی از شاگردانش به وی گفت: خداوندا به ما دعا گفتن بیاموز چنانکه یحیی شاگردان خود را بیاموخت (لوقا ۱:۱۱). خداوند در جواب، این نیایش مسیحی را که اساس تمام نیایش‌ها در عهد جدید است تعلیم داد. این نیایش در پنج بند در انجیل لوقا و در هفت‌بند در انجیل متی ذکر شده که عموماً در عبادات کلیسا از روایت متی خوانده می‌شود.

ای پدر ما که در آسمانی

نام تو مقدس باد

بادا که سلطنتت فرارسد

بادا که اراده‌ی تو چنان‌که در آسمان است در زمین نیز انجام پذیرد

نان کفاف ما را امروز به ما بده

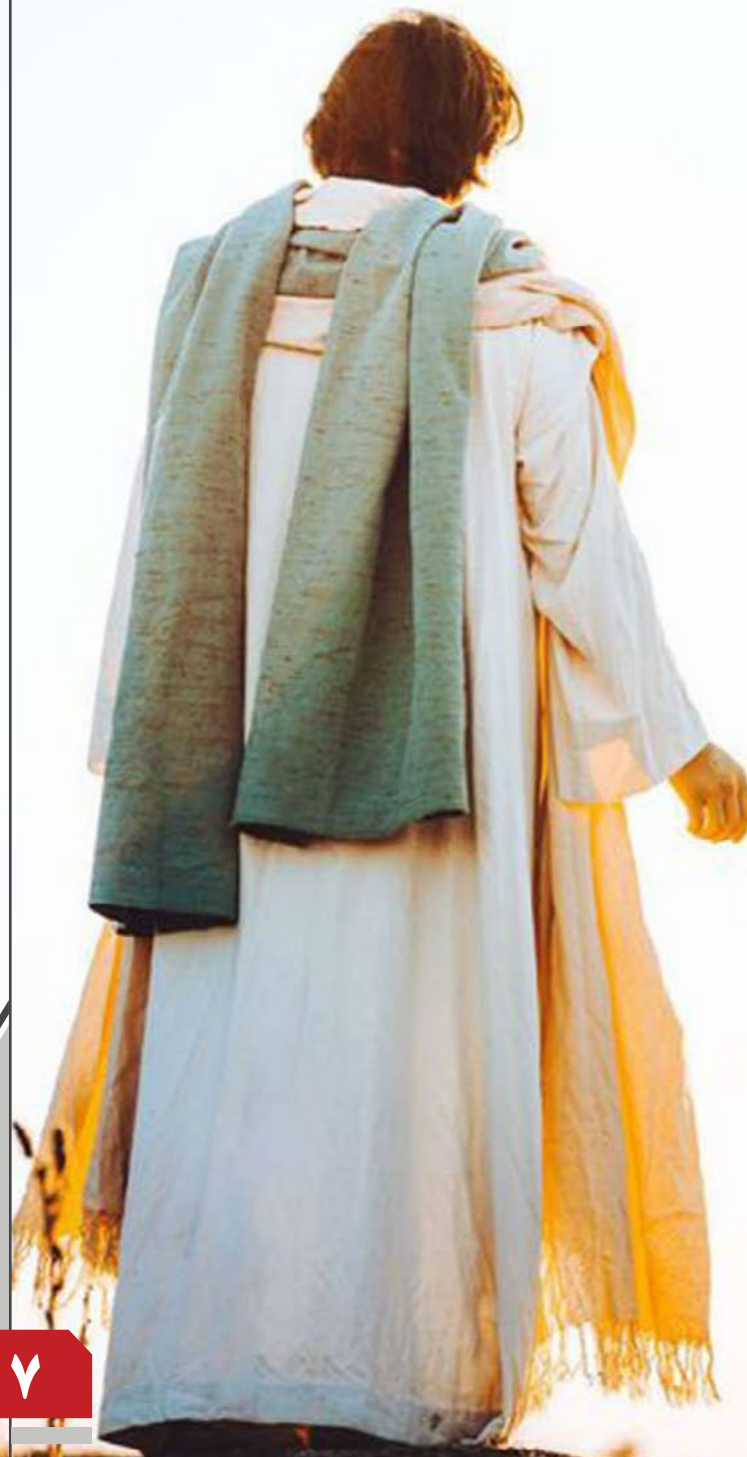
وام‌های ما را بر ما ببخش همچنان که ما نیز وامداران خویش را می‌بخشیم

و ما را در معرض آزمون قرار مده

بلکه ما را از شریر برهان

و در کتاب دیداکه^۱ واژه‌ی قدرت و جلال و کتاب اعمال رسولان، واژه‌ی ملکوت به پایان این نیایش افزوده شد

ملکوت و قدرت و جلال از آن توست تا ابدالابد. آمین.



نیایش خداوند به راستی خلاصه تمام انجیل است.^۲ پس از آنکه خداوند دعای ربانی را تعلیم داد در جای دیگر گفت بطلبید که به شما داده خواهد شد؛ بنابراین هر کس می‌تواند طبق نیازهایش دعاها را متفاوتی بکند اما این دعاها می‌بایست همیشه با نیایش خداوند که نیایش اصلی است آغاز گردند^۳

در تمامی دعاهایی که در کتاب مقدس هستند تفحص کنید، فکر نمی‌کنم چیزی بیابید که در دعای ای پدر ما گنجانده نشده باشد^۴

نیایش خداوند کامل‌ترین نیایش‌هاست. در این نیایش، ما نه تنها چیزهایی که می‌توانیم بخواهیم طلب می‌کنیم بلکه می‌توانیم آن‌ها را در نظم و ترتیبی که باید طلبیده شوند بخواهیم. این نیایش نه تنها به ما تعلیم می‌دهد که چه بطلبیم بلکه به ما می‌آموزد به چه ترتیبی آن‌ها را بطلبیم^۵

تفسیر نیایش ربانی

۱- ای پدر ما که در آسمانی

جسارت: چنانچه اقتدار پدر ما و روح‌القدس و پسرش ما را وانمی‌داشت که فریاد بزیم ابا ای پدر، ممکن بود آگاهی‌مان از موقعیت خود به‌عنوان بندگان ما را تا اعماق زمین فروبرد و بدن زمینی‌مان به خاکستر برمی‌گشت. انسان میرا چگونه جرات می‌کند خدا را پدر بخواند اگر عمق وجود وی از قدرتی که در بالاست جان نگیرد؟^۶ بنابراین، اولین ویژگی این نیایش سادگی بی‌پرده، اعتماد فرزندی، اطمینان شادی‌بخش، شجاعت فروتنانه و یقین از اینکه مورد محبت واقع می‌شویم، هست.

۲- ای پدر: اولین عبارت نیایش ای پدر ما، قبل از آنکه طلب باشد، پرستش و تجلیل است؛ زیرا این جلال خداست که ما او را همچون پدر می‌شناسیم که خدای حقیقی است و نام خود را بر ما آشکار ساخته و قدرت داده که ایمان آوریم و حضور او را در خود احساس کنیم. نیایش خداوند همچنان که خداوند را بر ما مکشوف می‌سازد، ما را برای خودمان نیز مکشوف می‌سازد.

ای انسان که جرات نداشتی روی خود را به آسمان بلند کنی، چشمانت را به زمین افکندی و ناگهان فیض مسیح را دریافت داشتی؛ تمام گناهانت آمرزیده شد و از بنده گناه به پسر نیکو بدل گشتی. پس چشمانت را به‌سوی پدر برافراز و گستاخی نکن و توسط رحمت او بگو ای پدر تا شایستگی یابی فرزند اوباشی^۷

عطیه رایگان فرزندخواندگی، توبه‌ی مداوم و حیات نوین را از طرف ما می‌طلبد. نیایش به پدر بایستی دو وضعیت بنیادی را در ما به وجود آورد: ابتدا اشتیاق به اینکه مانند او شویم؛ اگرچه شبیه او خلق شده‌ایم؛ به فیض او توانستیم به این شباهت بمانیم؛ بایستی به این فیض جواب دهیم.

شما نمی‌توانید خدای تمامی رحمت را پدر خود بخوانید اگر دلی بی‌رحم و دور از انسانیت داشته باشید، زیرا در این حالت دیگر در خود نشانه‌های رحمت و محبت پدر آسمانی را نخواهید داشت^۸. باید قلبی مطمئن و فروتن داشته باشیم که ما را قادر می‌سازد بازگشت نموده و مانند طفل کوچک شویم زیرا پدر فقط به کودکان مکشوف می‌گردد^۹

۳- پدر ما: «ما» در اینجا، مفهوم مالکیت نمی‌دهد بلکه معنای جدیدی در رابطه‌ی نیایشگر با خدا آشکار می‌سازد. نیایش به پدر «ما» به‌عنوان میراثی مشترک برای همه ما و فراخوانی ضروری برای تمام مؤمنان باقی می‌ماند. جمله مؤمنین را یکدل و یک جان بُود^{۱۰}. محبت خدا حدودمرزی نمی‌شناسد. نیایش ما نیز باید چنین باشد. توجه خدا نسبت به تمام انسان‌ها و کل خلقت، الهام‌بخش موضوع اصلی تمام نیایش کنندگان بزرگ بوده است. همین موضوع بایستی نیایش ما را زمانی که جرأت می‌کنیم بگوییم پدر «ما» تا پهنای کامل محبت گسترش دهد.

۴- که در آسمانی: این عبارت به معنای مکان یا فضایی دوردست که خدا در آن قرار دارد نیست بلکه عظمت و شکوه خدا را می‌رساند. او ورای مرزهای اندیشه ماست اما چون سه بار قدوس است، به دل فروتن و توبه کار بسیار نزدیک می‌باشد.

ای پدر ما که در آسمانی دقیقاً به این معناست که خداوند در دل‌های عادلان همانند معبد مقدسش زندگی می‌کند. درعین‌حال به این معنی نیز هست که کسانی که دعا می‌کنند بایستی آرزوی ساکن شدن کسی که می‌خوانند را در خود داشته باشند^{۱۱}.

خدا در آسمان در محل جلال خویش حضور دارد. خانه پدر سرزمین ماست. گناه ما را از سرزمین عهد تبعید کرده است^{۱۲}؛ اما توبه‌ی قلبی ما را قادر می‌سازد تا به‌سوی پدر، به آسمان بازگشت نماییم^{۱۳}. پس زمین و آسمان در مسیح باهم به آشتی رسیده‌اند.^{۱۴}

۵- نام تو مقدس باد: این عبارت نباید به مفهوم سببی آن برداشت شود. فقط خداست که تقدیس می‌کند و مقدس می‌سازد، به مفهوم ارزشی این عبارت باید توجه نمود. قدوسیت خدا مرکز دست‌نیافتنی راز ابدی وی است. کتاب مقدس آنچه را که از راز او در آفرینش و تاریخ آشکار شده؛ جلال او می‌خواند یعنی تابش عظمت و قدرت او.^{۱۵} خدا با آفریدن انسان به‌صورت و شبیه خود، تاج جلال و اکرام بر او نهاد اما انسان به‌واسطه‌ی گناه از جلال او قاصر گردید.^{۱۶} از آن زمان به بعد، خدا قدوسیت خود را از طریق آشکار کردن و گفتن نامش ظاهر می‌کرد تا

انسان را به‌صورت خالق خود برگرداند.^{۱۷}

زمانی که می‌گوییم تقدیس شود نام تو، می‌طلبیم که این نام در ما تقدیس شود.^{۱۸}

۶- سلطنتت فرارسد: واژه‌ی basileia را در عهد جدید می‌توان پادشاهی (اسم ذات)، ملکوت (اسم خاص) و سلطنت (اسم فاعل) ترجمه کرد. آمدن ملکوت، کار روح خداوند است که کارش را بر زمین کامل می‌کند و پُری فیض را برای ما می‌آورد. ملکوت خدا، عدالت و سلامتی و خوشی در روح‌القدس است.^{۱۹} تنها دلی پاک می‌تواند با دلیری بگوید ملکوت تو بیاید. کسی که این سخن پولس رسول: گناه در جسم فانی شما حکمرانی نکند. را شنیده و خود را در اندیشه و گفتار و کردار طاهر ساخته، به خدا خواهد گفت: ملکوت تو بیاید.

۷- اراده‌ی تو چنان که در آسمان است بر زمین نیز انجام پذیرد: پدر ما می‌خواهد جمیع مردم نجات یابند و به معرفت راستی گرایند.^{۲۰} حکم او این است که همدیگر را محبت نمایید چنانکه من شما را محبت نمودم تا شما نیز همدیگر را محبت نمایید.^{۲۱} این حکم خلاصه تمام احکام دیگر و بیانگر اراده‌ی اوست. اراده‌ی پدر در مسیح و از طریق انسانیت وی تحقق یافت. عیسی به هنگام ورود خود به جهان گفت: اینک می‌آیم تا اراده‌ی تو را ای خدا بجا آورم.^{۲۲} و عیسی است که می‌گوید: من همیشه کارهای پسندیده‌ی وی را بجا می‌آورم.^{۲۳} و در باغ جتسمانی می‌گوید: نه به خواهش من، بلکه به اراده‌ی تو.^{۲۴} با نیایش کردن می‌توانیم آنچه را که اراده خداست درک کنیم و تحمل انجام آن را به دست آوریم.^{۲۵} عیسی ما را تعلیم می‌دهد که انسان نه به‌وسیله سخن بلکه به‌وسیله‌ی انجام اراده‌ی پدر من که در آسمان است^{۲۶}، وارد ملکوت آسمان می‌شود. اگر کسی خداپرست باشد و اراده‌ی او را بجا آورد، خدا او را می‌شنود.^{۲۷} وقتی اراده‌ی خدا در زمین انجام پذیرد، تمام گناه و فساد نابود می‌شود و فضیلت بر زمین می‌درخشد و دیگر تفاوتی مابین زمین و آسمان نیست.^{۲۸}

۸- نان کفاف روزانه‌ی ما را امروز به ما ده: به ما ده نشانگر اعتماد فرزندان است که همه‌چیز را از پدر خود انتظار می‌کشند. او آفتاب خود را بر بدان و نیکان طالع می‌گرداند و باران بر عادلان و ظالمان می‌بارد.^{۲۹} به ما ده همچنین بیانگر عهد خدا نیز هست. ما از آن او و او محض خاطر ما، از آن ماست. نان ما پدری که به ما زندگی می‌بخشد، نمی‌تواند غذای لازم برای حیات، تمام نیکی‌ها و برکات مادی و روحانی را به ما نبخشد. عیسی در موعظه بر کوه، بر اعتماد فرزند و اعتمادی که بر مشیت الهی همکاری دارد تکیه دارد.^{۳۰} او ما را به سستی و تنبلی دعوت نمی‌کند بلکه می‌خواهد ما را از اضطراب و نگرانی نجات بخشد. چنین است تسلیم و اعتماد فرزندی فرزندان خدا. واژه روزانه برای آن بکار می‌رود تا اعتمادی بدون قید و شرط در ما ایجاد نماید.

۹- وام‌های ما را بر ما ببخش همچنان که ما نیز وامداران خویش را می‌بخشیم: بخشش در دنیای ما شهادت می‌دهد که محبت از گناه نیرومندتر است. بخشش، شرط اصلی مصالحه فرزندان

اما اکنون تکرار این نیایش‌ها همانند آیین نیایش آسمانی به شیوه‌ی ستایش و سپاسگزاری بیان می‌شوند. رئیس این جهان عناوین پادشاهی، قدرت و جلال را کاذبانه به خود نسبت داده بود.^{۲۱}

در پایان نیایش می‌گوییم آمین، یعنی چنین باد.

برگرفته از کتاب خدای زنده

مطالبی که در انجیل‌های سینوپتیک (هم‌نوا) شامل متی، لوقا و مرقس نگاشته شده بسیار شبیه‌اند اما انجیل یوحنا که نسبت به آن‌ها متأخرتر و متعلق به اواخر قرن اول می‌باشد. در بررسی مطالب تاریخی کمتر موردتوجه قرار می‌گیرد چراکه اگرچه به اهمیت وجودی عیسی مسیح می‌پردازد اما گزارش تاریخی چندانی از آنچه که مسیح گفته و انجام داده، به دست نمی‌دهد، به‌جز مصائب و مصلوب شدن؛ بنابراین ما نیز بیشتر به سه انجیل اول می‌پردازیم که قدیمی‌ترین آن‌ها مرقس است و متی و لوقا نیز از آن به‌عنوان منبع استفاده کرده‌اند. منبع دومی نیز در مطالعات کتاب مقدس داریم که اقوال sayings نام دارند و حاوی سخنان عیسی مسیح است و می‌توان آن‌ها را از روی انجیل متی و لوقا بازآفرینی کرد. پس ما از انجیل مرقس و این اقوال استفاده می‌کنیم تا به تعالیم عیسی مسیح برگردیم و بفهمیم عیسی مسیح چه گفته، چراکه اقوال بیشتر بر سخنان او متمرکز است، نه اینکه چه کرده یا چه اتفاقی افتاده و زندگی‌نامه محسوب نمی‌شود

با رجوع به این منبع درمی‌یابیم که نیایش در سنت عیسی پدیده‌ایست که نه فقط توسط عیسی بلکه مریدان او نیز انجام می‌شده. عیسی به آن‌ها آموزش داده است که به روش خاصی نیایش کنند و ویژگی بسیار مهم نیایش در دوره‌ی عیسی مسیح این بوده که هنگام دعا، جملات زیادی بر زبان نمی‌آید. این چیزی است که در تحولات بعدی مسیحیت و هم‌چنین ادیان دیگر، طبق روش مسیح به آن عمل نشده است؛ اما کاملاً جدی است چون در نظر عیسی، خداوند مظهر عشق و رحمت و چنان پدری دلسوز است. اگر بخواهید به چنین خدایی و ویژگی‌های خاص او یعنی به خدای عشق و رحمت و بخشایش و به پدری دلسوز caring father ایمان داشته باشید و چنین خدایی در ذهن شما باشد، باید اعتماد کنید که او هم‌اکنون حاجات شما را می‌داند و عهده‌دار امور ضروری زندگی شما می‌شود و به همین دلیل لازم نیست جملات زیادی بیان کنید. وقتی پیروان عیسی می‌پرسیدند چه کاری انجام دهیم؟ چگونه می‌توانیم دعا کنیم؟ آنگاه عیسی دستورالعمل مختصر و آیات نسبتاً کوتاهی از انجیل در اختیار آنان می‌گذارد و از آن‌ها نمی‌خواهد پیوسته آن را تکرار کنند. دعاها کوتاهی که اصطلاحاً دعای ربانی نام‌گرفته و به مؤلفه‌های اصلی زندگی بشر پرداخته است. دعایی خطاب به خداوند در مقام یک پدر آسمانی که می‌خواهد اراده‌ی او بر زمین اجرا شود؛ بنابراین این دو حوزه‌ی دینی، این دو واقعیت که مظهر آفرینش هستند باهم پیوند دارند. بدین طریق به خداوند می‌گوییم که اراده او در آسمان و زمین اجرا خواهد شد. البته وقتی دعا می‌کنید

خدا با پدرشان و مصالحه‌ی تمام انسان‌ها با یکدیگر است. هیچ‌گونه محدودیت یا مرزی برای این بخشش که ذاتا الهی است وجود ندارد.^{۲۱} هرچند که کسی صحبت از گناهان کند (لوقا) یا راجع به قرض یا دین بگوید (متی)، ما همیشه مدیون خدا هستیم. مدیون احدی به چیزی مشوید الا به محبت نمودن به یکدیگر.^{۲۲}

۱۰- و ما را در معرض آزمون قرار مده: این درخواست به ریشه درخواست قبلی برمی‌گردد، چون گناهان ما از تمایل به وسوسه ناشی می‌شود. بنابراین از پدر می‌خواهیم ما را در آزمایش نیاورد. ما از او می‌خواهیم که اجازه ندهد راهی را انتخاب کنیم که به گناه منتهی شود. روح‌القدس به ما قدرت می‌دهد تا بین تجربه‌ایی که برای رشد روح انسان ضروری هستند^{۲۳} و وسوسه که به گناه و مرگ منتهی می‌شود، تمایز قائل شویم.^{۲۴} ما را در آزمایش نیاورد بر تصمیمی قلبی دلالت می‌کند؛ زیرا هر جا گنج توست، دل تو آنجا خواهد بود. هیچ‌کس نمی‌تواند دو سرور را خدمت کند.^{۲۵} هیچ تجربه جز آنکه مناسب بشر باشد شمارا فرونگرفت اما خدا امین است که نمی‌گذارد شما فوق طاقت خود آزموده شوید، بلکه با تجربه مفری نیز می‌سازد تا یارای تحمل آن را داشته باشید.^{۲۶} چنین نبرد و چنین پیروزی فقط از طریق نیایش ممکن می‌شود. روح‌القدس همواره در پی این است که ما را بیدار کند تا مراقب باشیم.^{۲۷} سرانجام این درخواست مفهوم عمیق خود را در ارتباط با آخرین وسوسه‌ی نبرد زمینی ما به خود می‌گیرد و استقامت و پایداری نهایی می‌طلبد. اینک چون دزد میایم، خوشا به حال کسی که بیدار است.^{۲۸}

۱۱- بلکه ما را از شریر برهان: آخرین درخواست در نیایش عیسی نیز وجود دارد: خواهش نمی‌کنم که ایشان را از جهان ببری، بلکه تا ایشان را از شریر نگاه‌داری.^{۲۹} این نیایش هریک از ما را منفردا شامل می‌شود و این «ما» کل بشریت را دربرمی‌گیرد. نیایش خداوند پیوسته ابعاد متفاوت تدبیر خدا برای نجات را به روی ما باز می‌کند. شریر در این درخواست یک موجود انتزاعی نیست بلکه یک شخص، شیطان، فرشته‌ای که به مخالفت باخدا پرداخت، است. شریر کسی است که خود را در مسیر نقشه خدا و کار نجات‌بخش او که در مسیح تحقق یافت قرار می‌دهد. شیطان که از اول دروغ‌گو بود و پدر دروغ‌گویان است و تمام ربع مسکون را می‌فریبد،^{۳۰} از طریق او گناه و مرگ وارد جهان شد و با شکست قطعی و نهایی‌اش تمام خلقت از گناه و فساد و مرگ آزاد خواهد شد. هنگامی که می‌گوییم ما را از شریر رهایی ده، منظور ما تمام شرارت‌های گذشته، حال و آینده که خود شریر باعث یا محرک آن‌هاست می‌باشد. این‌گونه تمام نگرانی‌های این دنیا به حضور پدر آورده می‌شود و ضمن درخواست رهایی از شرارت‌هایی که انسان‌ها را از پا افکنده‌اند، عطیه‌ی ارزشمند صلح و آرامش و فیض پایداری در انتظار بازگشت مسیح را می‌طلبد.

فر و شکوه نهایی: زیرا فرمانروایی و شکوه و جلال تا ابد از آن توست؛ بار دیگر شامل سه درخواست اول می‌شود: جلال دادن نام او، آمدن سلطنت او و قدرت اراده‌ی نجات بخشش؛

مرتبط است؛ زیرا دشمنی بدترین وضعیتی است که کسی به شما آسیب رسانده.

پس می‌بینیم که در دعای ربانی، جنبه‌های بسیاری که ویژگی اصلی تعلیمات عیسی مسیح محسوب می‌شوند به‌صورت فشرده و خلاصه بیان شد و به همین دلیل مهم‌ترین نیایش مسیحیت است. ما این نیایش را با دو روایت در عهد جدید داریم؛ بنابراین لازم است متن اصلی را که عیسی واقعاً گفته با تغییراتی که در متی و لوقا می‌یابید بازسازی کنید. این‌ها دستورات اساسی و جنبه‌های اصلی و چشم‌اندازهای مهمی هستند و ویژگی بارز تعالیم عیسی بشمار می‌روند

آخرین نکته اینکه سنت‌های بعدی صرفاً تکرار کلام عیسی مسیح نبود و چیزهایی بدان افزوده شد و سخنان وی تفسیر شدند. به همین دلیل است که بعدها به این دستورالعمل برخورد می‌کنید که شخص باید همیشه و همواره دعا کند؛ اما چگونه می‌توان همیشه دعا کرد؟ این کار دشواری است؛ اما به خاطر داشته باشید که دعا کردن، به معنای بیان جملات بسیار نیست. همیشه دعا کردن به معنای همیشه دعا خواندن نیست یا حتی اینکه فکر و ذکرتان همیشه به دعا باشد بلکه دعا، نوعی نگرش به زندگی است؛ بدین معنا که اگر قرار است راه ارتباط من با خدا باشد، برای ستایش خدا باشد، برای تسبیح خدا باشد و اگر سعی می‌کنید همیشه دعا کنید؛ درواقع این خود زندگی است که باید مظهر نیایش خداوند شود، اصل زندگی باید ستایش خدا باشد، خود زندگی باید حمد و ثنای خدا باشد. این معنای واقعی همیشه دعا کردن است.

توضیحات پروفیسور یواخیم کوگر، استاد الهیات دانشگاه بامبرگ آلمان درباره‌ی دعای ربانی (ای پدرِ ما)

(به نقل از صفحه اینستاگرام موسسه سروش مولانا @soroosmolana)

که اراده خدا بر زمین اجرا شود، واضح است که همه‌ی آنچه در زمین اتفاق می‌افتد، اراده‌ی خدا نیست will of god؛ زیرا معنای رفتار معصیت آمیز این است که مردم به خواست خدا عمل نکنند. پس لازم است که آزادی عمل و اختیار انسان را نیز لحاظ کنیم.

در این نیایش می‌بینید که عیسی مسیح عقیده دارد که آزادی انسان‌ها می‌تواند هم ابزاری برای تحقق اراده‌ی خداوند و هم ابزاری برای گناه و طغیان علیه خواست خدا باشد. جنبه‌ی مهم دیگر در دعای ربانی، ضرورت غذا و خوراک‌های طبیعی است. این جنبه نیز در بخشی از دعای ربانی موردتوجه قرار می‌گیرد. عیسی به پیروانش می‌گوید که بگویند خداوند نان کفاف روزانه آن‌ها را بدهد. نان نمادی از روزی شماس است که روزانه به آن نیاز دارید؛ بنابراین پیروان تعلیم نمی‌بینند که برای ثروت، پول، قدرت یا چیزهایی ازین قبیل دعا کنند. در دنیای امروز به‌ویژه در اشکال مدرن مسیحیت؛ بسیار اتفاق می‌افتد که مردم برای پول، قدرت، موفقیت یا هر چیز دیگر دعا کنند؛ اما دستورالعمل عیسی این است که برای آنچه روزانه برای بقا یافتن به آن نیازمندید دعا کنید. نان روزانه‌ی امروز ما را بده؛ این بدان معناست که شما حتی طلب نمی‌کنید که برای دو روز نان داشته باشید. شما برای آنچه که امروز لازم دارید دعا می‌کنید و فردا روز دیگری است. فردا دوباره دعا می‌کنید. این معنویت نهفته در پس این نیایش است و دیگر نکته‌ی بسیار مهم آن است که شما دعا کنید تا خدا گناه شمارا ببخشد و عیسی مسیح این بخشش را با بخشیدن افرادی که به شما صدمه زده‌اند مرتبط می‌داند؛ یعنی استغفار به درگاه خدا یعنی آمادگی برای بخشیدن همسایه خود. تمام افرادی که ظاهراً برعلیه شما هستند و با شما بدرفتاری کرده‌اند، در حق شما بی‌انصافی کرده‌اند و حتی سعی کرده‌اند به شما آسیب بزنند. این قسمت از دعا با دستور دوست داشتن دشمن کاملاً

۱ - کتاب دیداکه، قدیمی‌ترین دستورالعمل موجود در مورد انضباط کلیسایی است که برای مسیحیان نوکیش نگاشته شده و شامل آموزه‌های اخلاقی و مراسم‌هایی مانند عشا ربانی و غسل تعمید می‌باشد. توسط مؤلفی ناشناس در سوریه و به زبان یونانی نگاشته شده	۱۲ - سفر پیدایش	۲۸ - قدیس یوحنا کریزوستوم
۲ - ترتولیان	۱۳ - ارمیا	۲۹ - انجیل متی
۳ - ترتولیان	۱۴ - مزامیر	۳۰ - انجیل متی
۴ - سنت اگوستین	۱۵ - مزامیر	۳۱ - انجیل متی
۵ - توماس اکویناس	۱۶ - سفر پیدایش	۳۲ - نامه به رومیان
۶ - قدیس پطرس کریزولوگوس	۱۷ - رساله به کولوسیان	۳۳ - انجیل لوقا
۷ - قدیس آمبروز	۱۸ - ترتولیان	۳۴ - رساله یعقوب
۸ - قدیس یوحنا کریزوستوم	۱۹ - رساله به رومیان	۳۵ - انجیل متی
۹ - انجیل متی	۲۰ - رساله به تیموتوس	۳۶ - رساله به کرنتیان
۱۰ - اعداد	۲۱ - انجیل یوحنا	۳۷ - رساله به کرنتیان
۱۱ - قدیس اگوستین	۲۲ - نامه به عبرانیان	۳۸ - مکاشفه
	۲۳ - انجیل یوحنا	۳۹ - انجیل یوحنا
	۲۴ - انجیل لوقا	۴۰ - انجیل یوحنا - مکاشفه
	۲۵ - نامه به رومیان	۴۱ - انجیل لوقا
	۲۶ - انجیل متی	
	۲۷ - انجیل یوحنا	



اقبال لاهوری، سنت‌گرا یا مدرنیست

● مهرناز بوستان دوست

● دانشجوی کارشناسی‌ارشد دانشگاه الزهرا (س)

چکیده

محمد اقبال لاهوری، نزد عمده‌ی فارسی‌زبانان شاعری صاحب قریحه و تواناست، گذشته از مهارت و گرایش شاعری اقبال، نکته‌ی قابل‌بحث درباره این اندیشمند مسلمان، گرایش افکار فلسفی او به فلاسفه‌ی غرب و بخصوص به مفهوم ابر انسان نیچه‌ی آلمانی است که انتقاداتی را متوجه وی ساخته است. اقبال از شخصیت‌های مهم و مؤثر در استقلال پاکستان از هند و مبارزه علیه استعمار بریتانیا در کنار محمدعلی جناح و مولانا محمدعلی بود. شخصیتی که گاه از آن به‌عنوان متضلع یاد می‌کنند یعنی اقبال در کنار آنکه سلفی‌گری را نمی‌پسندید اما منتقد شدید سکولاریته‌ای بود که مدرنیسم و تکنولوژی غرب از طریق استعمار ملت‌های مسلمان بدان‌ها تحمیل می‌کرد و در مواجهه با آن معتقد بود که پنج قرن را کد ماندن اسلام در دایره‌ی محدود علم و تدریس و عدم پویایی علمای اسلام در عرصه‌ی فرهنگ و فلسفه غنی قرآن، به سکولاریته‌ی غرب قدرت بیشتری برای تقدس زدایی از جوامع مسلمان می‌داد.

کلیدواژه‌ها: اقبال لاهوری، سنت، مدرنیته، فلسفه

لوتر راهب آلمان‌گرای

● گزارش دهنده: فیروزه عاقبتی
● دانشجوی کارشناسی‌ارشد دانشگاه الزهرا(س)

لوتر یک فیلم در ژانر تاریخی و زندگینامه‌ای آمریکایی محصول سال ۲۰۰۳ درباره مارتین لوتر، کشیش متجدد قرن ۱۶م، راهب آلمان‌گرای آلمانی و منجر از مادی‌گرایی کلیسا است.

این فیلم به کارگردانی اریک تیل و تهیه‌کنندگی بریگیت روچو، کریستین استهر، الکساندر تیس، کمیل توماسون، بارت گاوینگان است.

در این فیلم جوزف فاینز، آلفرد مولینا، جانانان فیرت، کلر کاکس، پیتر اوستینوف به هنرمندی پرداخته‌اند.

● نکاتی درباره محتوای فیلم:

شخصیت اسطوره‌ای و آزاداندیشی که در فیلم «مارتین لوتر» ساخته و پرداخته‌شده بود فاصله‌ای چند با شخصیت حقیقی داشت. روحیه‌ی یهودی‌ستیزی لوتر در اواخر عمرش یا نگاه او به مسلمان از نکات منفی این شخصیت محسوب می‌شد که به‌طور کامل حذف شده بود. به‌اصطلاح تمام راستی‌ها را کارگردان درباره ابعاد شخصیت دکتر لوتر نگفته بود درحالی‌که چیزی را نیز به‌دروغ به آن نیفزوده بود.

تمام حامیان لوتر، از شخصیت‌های مرد انتخاب‌شده بودند؛ از پدر روحانی یا پدر معنوی مارتین و شاهزاده ساک سونی که کمک‌کنندگان اصلی بودند تا دیگرانی که نقش کم‌رنگ‌تری در این‌باره داشتند مثل هم‌کلاسی خود مارتین در دانشگاه. نکته اینجاست که یکی دیگر از سنت‌هایی که توسط این کشیش شکسته شد ازدواج روحانیون مسیحی بود. با این‌که همسری که لوتر برای خود انتخاب کرد از بین راهبه‌هایی بود که به اعتقادات او پیوسته بودند، اما در فیلم این راهبه نه به‌عنوان شخصیت مکمل لوتر و نه حتی به‌عنوان یک حامی جدی برای قهرمان داستان ظاهر و ساخته‌شده است.

نکته جالب دیگر که می‌توان به آن اشاره کرد این است که تماشاگر فیلم هنگامی که خود را برای شروع فیلم آماده می‌کند در بدو ورود در لوگوی فیلم حرف T لوتر (LUTHER) را به شکل صلیب می‌بیند؛ و اگر دقت شود این نماد (صلیب) تقریباً در تمام فیلم‌های مذهبی مسیحی دیده می‌شود. نمادی که برای تمام شاخه‌های مسیحیت اعم از کاتولیک، پروتستان و ارتدوکس یکی است.

سیر زندگی و تحول فکری اقبال:

محمد اقبال لاهوری در سال ۱۲۵۶ هجری در سیالکوت ایالت پنجاب پاکستان زاده شد و در ۱۳۱۷ درگذشت و در لاهور به خاک سپرده شد. نیاکان او از برهمنان کشمیر بودند که دوپست سال قبل اسلام آورده بودند. وی کارشناسی ارشد خود در رشته‌ی فلسفه را در دانشگاه پنجاب به انجام رساند و برای دکترای به مونیخ آلمان رفت و موفق به اخذ دکترا شد. وی به زبان فارسی علاقه و آشنایی داشت. اشعار زیادی به زبان فارسی دارد و از ارادتمندان جلال‌الدین محمد مولوی بود. به‌گونه‌ای که مولوی را برای خویشتن، چون شمس تبریز برای مولوی می‌داند و جاوید نامه اثری از وی به سبک مثنوی معنوی است و در آن به سیر و سلوک‌هایی پرداخته که مولوی را راهنمای این سیر و سلوک معنوی به شیوه‌ی دانه و نوعی معراج دانسته است.

اقبال در عصری ظهور کرد که شرق در برزخ میان سنت و مدرنیته تنفس می‌کرد. این برزخ اجازه می‌داد تا اقبال و سید جمال‌الدین اسدآبادی عمیق‌ترین فریادهای احیاء و اتحاد جهان اسلام را برآورند، اما جهان بسته اندیشه شرقیان و به‌ویژه مسلمین، اذن و اجازه تحقق افکار اقبال و اسدآبادی را نمی‌داد؛ بزرگانی که پیش از زمان خود متولد شده بودند، اما تردیدی نیست که بر زمان آینده خود تأثیر گذاشتند. بسته بودن و انجماد فکری ملت‌های مسلمان به‌علاوه حکومت‌های نالایق و ناکارآمد و نیز فقدان نوآوری و فعالیت‌های عمیق فکری در دانشگاه‌های جهان اسلام، غربزدگی و سیطره کمیت اندیشه بر کیفیت آن، همه و همه عواملی بود که تلاش و کوشش اقبال و سید جمال‌الدین اسدآبادی را ناکام گذاشت، اما در تداوم زمان، جهان اسلام به اهمیت و عظمت این اندیشه‌ها و تلاش‌های نوآورانه و احیاگرانه چنین بزرگانی پی برد. این اندیشمندان در سده‌ی نوزدهم به عقب‌افتادگی مسلمانان نگرستند که بر واقعیات جامعه خیمه افکنده بود و آن را با جوامع اروپایی مقایسه کردند. چند تن از اندیشمندان مسلمان همانند جمال‌الدین افغانی و محمد عبده در چارچوب فعالیت‌های نشریه‌ی «العروة الوثقی» و نیز محمد اقبال در این موضوع اندیشیده‌اند.

به‌عنوان مثال، نوشته‌های متعدد و هدفمند محمد اقبال، سلفی‌ها و عنصرگرایان و نیز علما و پژوهشگران مسلمان را به‌سوی تأویل سنت و خوانش نوین قرآن با تمسک به توحید فرامی‌خواند. او اندیشمندی است که علاقه‌ی زودهنگامش به فلسفه او را برای تحقیق و تحصیل پیرامون آن به دانشگاه‌های بریتانیا و آلمان کشاند و بسیار به فلسفه‌های رایج در اروپای نوین نزدیک شد و در مطالعه و شناخت دقیق آن تعمق ورزید. استادان اروپایی او را دانشجویی تیزهوش دیدند که قابل توجه و عنایت است. لذا برای اقبال آسان بود که اندیشمندی غرب‌گرا و شاگردی نجیب برای فرهنگ غربی شود، همان‌گونه که بسیاری از دانشجویان مسلمان که تجربه‌ای همانند اقبال دارند، به غرب گرایش نشان داده و می‌دهند؛ اما اقبال بر جوهر دینی خویش ماند و به عقیده و شریعت پایبند بود و به‌شدت از اسلام و افکار اسلامی دفاع نمود و با نگرش‌ها و اندیشه‌های سکولار

اروپایی و غربی مبارزه کرد. اقبال در جستجوی اسلامی مدرن با ریشه‌های قرآنی اما به دور از قشریت و سلفی‌گری و در اصل، روح معنوی و جهان‌شمول اسلام بود.

اقبال، مسلمانی غیر عرب

اهمیت دیگر اقبال در این است که او اندیشمندی مسلمان بیرون از بافت جوامع عربی است و همین سبب گردید آبخور فکری‌اش متعدد باشد. تولیدات فکری اقبال به میراث فرهنگی هند و فارس پیوند می‌خورد که از معرفت اروپایی نیز برخوردار شده است. او اندیشمندی است که مسئله‌ی انسان را خارج از فرهنگ عربی درمان کرده است. شاید یکی از دلایل نزدیکی اقبال به ایران و زبان و ادب عجم همین بود که ایرانیان، اسلام را در چارچوبی ایرانی‌زده و متصوف و معنوی و عرفانی درک می‌کردند که اقبال می‌کوشید رنگ مدرنیته و علمی فلسفی نیز بدان ببخشد. محمد اقبال نخستین اندیشمند مسلمان در دوران جدید است که موضوع نوگرایی از درون فرهنگ را بر نخبگان عرب و مسلمان عرضه کرد تا برای رسیدن به ابزارهای تولید معرفت تازه بر مبنای نگرشی هماهنگ پی‌ریزی شود و میان اندیشه‌ی قدیم و تاریخی از یک‌سو و نگرش نوین و واقع‌گرا از دیگر سو، تبادل و دادوستد برقرار گردد. بدین سبب، اقبال با این هدف بر ضرورت بازنگری در ترکیب اندیشه‌ی دینی تأکید داشت تا به ارائه‌ی تفسیری نوین و غیر ایدئولوژیک از مقوله‌ی «اسلام برای هر زمان و مکانی صلاحیت دارد» منجر گردد؛ یعنی در اصل بر بافت‌های معرفتی جدیدی بنا شده است که نمی‌توان بدون برخورداری از بینشی کاملاً متفاوت از جهان به آن دست‌یافت.

اصل حرکت در اسلام

یکی از مهم‌ترین مبانی‌ای که محمد اقبال بازنگری‌های فکری و دینی خود را بر آن پایه‌ریزی کرد، اصل حرکت در اسلام است. او این اصل را دروازه‌ای اساسی برای نوسازی مرتبط با مجموعه‌ی دینی قرارداد. اسلام از آنجا که جنبشی فرهنگی است، این تعبیر گذشتگان را که می‌گفتند جهان هستی ثابت و نامتغیر است، رد می‌کند؛ زیرا هستی متحرک و متغیر است؛ و از آنجا که اسلام نظامی عاطفی است، دنبال وحدت کلمه می‌باشد و ارزش فرد را در انسان بودنش می‌داند و خویشاوندی را ملاک وحدت بشری قرار نمی‌دهد

تأکید بر اصل حرکت در بنای اسلامی باعث شد محمد اقبال با دیدگاهی واقع‌نگر به‌سوی متن قرآنی برود و از تصورات خیالی و جدا از واقعیات انسانی فاصله بگیرد و بدین ترتیب کوشید دستاوردهای مدرن اندیشه‌ی غربی را در عرصه‌ی بازنگری در متون قرآنی و دینی به کار گیرد. ما در برابر متنی فرود آمده و کامل و واقعیات تاریخی تحول‌پذیر دائمی و نگرشی متغیر قرار داریم، لذا وجود جدال میان متن، زمان و انسان قطعی و حتمی است که در تضاد با آرای برخی علما و دیدگاه‌های بنیادگرایانه قرار می‌گرفت و اقبال را به‌عنوان تحصیل‌کرده‌ای فرنگی مآب

دینی در آن‌ها حاکمیت دارد، راه به‌جایی نمی‌برد. در نواندیشی اقبال همین بس که بگوییم تمامی اندیشه‌های نوینی که بعد از او در جهان اسلام مطرح شد یعنی تقریب مذاهب، تسامح دینی، بازگشت به خویشتن، اگزستانسیالیسم الهی، دگراندیشی، عمل‌گرایی و... اول بار به‌وسیله اقبال مطرح و روشمند شد. در همان کشورهایی که این همه چنددستگی، اختلاف و دیدگاه‌های واپس‌گرایانه به‌وسیله گروه‌های سلفی وجود دارد. به‌علاوه اقبال در زمینه‌های دیگر مثل زبان‌شناسی، تعلیم و تربیت، متافیزیک، سیاست، شعر، موسیقی، نقاشی و... نظرانی منطبق با دنیای امروز و آگاهی‌های نوین بشری ارائه کرد ولی چنان‌که باید در سرزمین خودش و دیگر کشورهای اسلام مورد توجه قرار نگرفت. کشورهایی که به‌سادگی مغلوب هجمه‌ی بی‌امان مدرنیته‌ی اروپایی و غربی قرار گرفتند.

منابع:

بررسی کتاب بازسازی اندیشه‌ی دینی - حمیده نیفر

اقبال، مسلمان مدرن - رضا داوری اردکانی

شخصیت متضلع اقبال لاهوری - حسن بلخاری

اسلام، مدرنیته و تجربه دینی از نگاه محمد اقبال لاهوری - قاسم پورحسن

درون‌مایه فلسفه اقبال - محمد بقایی ماکان

تلقی می‌کرد. چراکه در دیدگاه بنیادگرایی هر نوع پوشش و تازگی در قرآن و سنت بی‌معنا و ناوارد است.

دیدگاه واقع‌گرایانه‌ی محمد اقبال در تعامل با متن قرآن چنین است. او کوشید میان قرآن و خواسته‌های زمانه سازگاری ایجاد کند و با اثبات تحول‌پذیری به‌جای قطعیت و ثبات، امکان‌گذر را نهادینه نماید. او در این روش از اندیشه‌ی فلسفی غربی و عقلانیت انتقادی بهره برد، ولی به پرستش عقل و مدرنیته دچار نشد. اندیشه‌ی غربی تأکید دارد که پیشرفت انسان بیرون از دایره‌ی دین و در چارچوب سکولاریسم به وقوع می‌پیوندد. درحالی‌که محمد اقبال این مفهوم و بینش را رد می‌کند و ساختار دیگری را تعیین می‌نماید که بر نگرش قرآنی استوار است و توسعه و تحول را قبول دارد، نه رکود و ایستایی را که ساخته‌ی فقه واپس‌گرا است. اقبال به‌تمام‌معنا دنبال راهی میانه برای حفظ سنت‌ها و دچار نشدن به سکولاریسم در کنار پیشرفت‌های علمی و فناوری برای جامعه‌ی مسلمان بود.

نتیجه

چرا اقبال چندان موفق نبود؟ اگر شما بذر مرغوب را در زمین نامستعد بکارید یا نمی‌روید یا اگر بروید به‌درستی رشد نمی‌کند. حکایت اقبال و امثال او که در جوامع وابسته به ارزش‌های تثبیت شده با اذهان محافظه‌کار سر برمی‌آوردند، چنین است؛ بنابراین اندیشه‌های نو در جوامعی که رادیکالیسم



بانو امین؛ بانوی ایرانی

فیروزه عاقبتی

دانشجوی کارشناسی ارشد ادیان و عرفان دانشگاه الزهرا (س)

♦♦ زندگی نامه

سیده نصرت‌بیگم امین معروف به بانو امین از عالمان و عارفان زن شیعه اهل ایران بود در سال ۱۲۶۵ خورشیدی (۱۳۰۸ ق) در اصفهان متولد شد. نسبش با سی واسطه به علی ابن حسین (علیه السلام) می‌رسد. از چهارسالگی به فراگرفتن قرآن و از یازده سالگی به تحصیل زبان عربی پرداخت. با اینکه در پانزده سالگی ازدواج کرد، اما همراه با همسر داری و تربیت فرزندانش، به تحصیل علم اسلامی نیز ادامه داد. در بیست‌سالگی به تحصیل فقه و اصول، تفسیر و علم حدیث پرداخت، به زودی به حکمت و فلسفه و در پی آن به عرفان روی آورد. علی‌رغم تمام مشکلاتی که در آن دوران برای تحصیل زنان متدین وجود داشت، در چهل سالگی به دنبال سال‌ها تلاش شبانه‌روزی توانست به درجه اجتهاد برسد.

در قسمتی از اجازه‌نامه شیرازی در توصیف وی چنین آمده است:

دختر مرحوم حاج سید محمدعلی امین التجار اصفهانی که بانویی بزرگوار، شریف، اصیل، عالم و فرزانه، برگزیده زنان زمان و مایه شگفتی دورانش می‌باشد، از کسانی است که مدت مدیدی از عمرش و زمان درازی از زندگی‌اش را صرف تحصیل علم نموده است.

♦♦ ایشان در نزد استادان بزرگواری تحصیل کرده‌اند از جمله:

سید ابوالقاسم دهکردی

میرزا علی‌اصغر شریف

میرزا علی شیرازی

ابوالقاسم زفره‌ای

حسین نظام‌الدین کچویی

لطفیان سرگزی

سید علی نجف‌آبادی

ایشان خود نیز شاگردان بسیاری از بین بانوان زمانه خود را تربیت کرده‌اند از جمله:

بتول جهانبخش (جعفری) هرندی - زینت السادات علویه همایونی - عفت الزمان امین - بتول غازی - بتول عسکری - ربابه الهی - زهرا چوب‌چینی - صدیقه حکیمیان - فخرالسادات قلمکاربان - محبوبه گلستانیان - بدرالسادات مدرس خاتون‌آبادی - معصومه لطفی سرگزی - بی‌بی ریحانه مرجانی

بانو امین کتاب‌های بسیاری در عمر پربار خود با نام «بانوی ایرانی» یا «بانوی اصفهانی» به چاپ رسانده است که عبارت‌اند از:

اربعین الهاشمیه (عربی)

جامع الشتات (عربی)

معاد یا آخرین سیر بشر

نفحات الرحمانیه فی الواردات القلیبیه (عربی):

تفسیر مخزن العرفان (فارسی)

روش خوشبختی و توصیه به خواهران ایمانی:

مخزن اللغالی در مناقب مولی الموالی علی (ع):

سیر و سلوک در روش اولیاء و طریق سیر سعادت:

اخلاق کتاب اخلاق از «طهارة الاعراق» ابن مسکویه برگرفته شده است.

♦♦ خدمات فرهنگی

وی از چهل سالگی تا پایان عمر به تألیف کتاب، تدریس و پاسخ‌گویی به پرسش‌های دینی و تأسیس مؤسسات فرهنگی مشغول بود. تأسیس مدرسه علمیه‌ای به نام مکتب فاطمه (س) که با بیش از ۶۰۰

تا ۱۰۰۰ شاگرد، در سال ۱۳۴۶ آغاز به کارکرد، از دیگر کارهای فرهنگی امین است که در اوضاع بسیار سخت فرهنگی و سیاسی جامعه صورت گرفت و زمینه تحصیل زنان علاقه‌مند به آموختن معارف اسلامی را فراهم ساخت. تأسیس چند دبیرستان دخترانه و تربیت شاگردان، بخشی از فعالیت‌های وی محسوب می‌شود. دو زن به نام‌های همایونی و غازی از شاگردان برجسته وی، پس از مرگ وی به اداره امور این مدرسه می‌پردازند.

◆ درگذشت

بانو امین در شب دوشنبه اول رمضان ۱۴۰۳ ق/ ۲۳ خرداد ۱۳۶۲ درگذشت. جنازه‌اش در بقعه خانوادگی خاندان امین در تخت فولاد اصفهان، به خاک سپرده شد.

◆ بانو امین در کلام دیگران

افرادی همچون امینی، رحیم ارباب، طباطبایی، مرعشی نجفی، سید هاشم حداد، سید کمال‌الدین موسوی مقدم شیرازی، محمدتقی جعفری و مرتضی مطهری برای تجلیل از مقام علمی و معنوی بانو امین به دیدار او رفتند و در زمینه‌های علمی مربوط به خود با او سخن گفتند.

سید علی خامنه‌ای درباره نکوداشت و تجلیل از بانو امین می‌گوید:

تجلیل از بانوی بزرگوار اصفهانی [خانم امین] و ارائه شخصیت عرفانی و فقهی و فلسفی برجسته یک زن در کشور ما، کاری سودمند و در جهت احیای ارزش‌های اسلامی در زنان به نظر می‌رسد.

محمدتقی جعفری می‌گوید:

با توجه به آثار قلمی که از خانم امین در دسترس ما قرار گرفته است، به‌طور قطع می‌توان ایشان را یکی از علمای برجسته عالم تشیع معرفی نمود و روش علمی ایشان هم کاملاً قابل مقایسه با سایر دانشمندان بوده، بلکه با نظر به مقامات عالی‌روحي که ایشان [به درک آن] موفق شده است، باید ایشان را از گروه و نخبه‌ای از دانشمندان به شمار آورد که به‌اضافه فراگرفتن دانش، به تولد جدید در زندگی نائل می‌شوند.